

## پیام ها و فلسفه ماه محرم



محرم ماه آگاهی، ماه شکوفایی، ماه سوگواری و ماه عشق است. محرم ماه آزادی و رهایی، ماه رشد و بالندگی، ماه جوشیدن و اندیشیدن، و ماه فانی شدن و به ابدیت پیوستن است. محرم مدرسه عشقی است که باید در آن درس آموخت. محرابی است که باید در آن به نماز عشق ایستاد و نردبانی است که باید از آن بالا رفت تا به لقای حق شتافت.

آران نیوز- محرم ماه آگاهی، ماه شکوفایی، ماه سوگواری و ماه عشق است. محرم ماه آزادی و رهایی، ماه رشد و بالندگی، ماه جوشیدن و اندیشیدن، و ماه فانی شدن و به ابدیت پیوستن است. محرم مدرسه عشقی است که باید در آن درس آموخت. محرابی است که باید در آن به نماز عشق ایستاد و نردبانی است که باید از آن بالا رفت تا به لقای حق شتافت.

عاشورا سالروز عروج خونین سبک بالان عاشقی است که با شهادت خویش حماسه جاودانه و با شکوهی در تاریخ آفریدند. عاشورا چشمه نوری است که سیاهی ها و تاریکی ها را از جان می شوید و زلالی و پاکی را سخاوتمندانه به آن هدیه می کند. فریاد سرخی که از خاک تفتیده کربلا برخاست، طنین بیدارباشی بود که تمامی اعصار و قرون را درنوردید و با رنج مظلومان تاریخ آمیخته شد و به ابدیت پیوند خورد. نه کربلا به یک سرزمین محدود می شود و نه عاشورا در غروب یک روز پایان می یابد. کربلا صحنه نمایش رویارویی حق و باطل و حماسه پرشکوه جانبازی و شهادت طلبی است. کربلا نمایش رویارویی دو جبهه است که یکی در قامت استوار حسین علیه السلام تجلی می یابد و دیگری در وجود یزید نمود می یابد. نبض زمین در کربلا می تپد و کل کاینات در کربلا خلاصه می شود. کربلا محراب عبادت دل باختگان است. کربلا سکویی است که کربلابیایان و عاشورابیایان را از خاک تا افلاک و از زمین تا عرش برین پرواز می دهد. کربلا مدرسه ای است که درس چگونه ماندن و چگونه رفتن را به ما می آموزد و پایداری و پاسداری را یاد می دهد.

نهضت عاشورا حقیقتی را آشکار کرد که در هجوم ابرهای فتنه و تحریف گم شده بود. عاشورا نمایش پرشکوه عشق است که با ایثار و از خودگذشتگی حسین علیه السلام و یاران فداکار آن حضرت در صحنه کربلا خلق می شود.

حماسه کربلا حقیقتی را در کهکشان عشق و خون به تصویر کشید تا دیگر کسی برای چشم پوشیدن از آفتاب حقیقت، بهانه ای نیابد. کربلا صحنه وقوع حماسه جاویدی است که وجدان انسان های آگاه، صلابت آسمانی اش را ستایش می کند و در برابر قداست و عظمت آن سر تعظیم فرود می آورد. نام آتانی که در معراج کربلا تن به خاک سپردند و به افلاک پر کشیدند، بعد از گذر قرن ها هم چنان بر تارک تاریخ می درخشد.

تقوا دژی استوار است که آدمی را در برابر خطا و گناه و پلیدی و زشتی حفاظت می کند و حسین علیه السلام بهترین آموزگاری بود که عملاً آموخت تقوا، گوشه نشینی و عزلت و دوری از جامعه نیست؛ بلکه موهبتی است که با بصیرت، دانایی و ستیز دائم با هواهای نفسانی و مفاسد اجتماعی به دست می آید. حسین علیه السلام مظهر تقوای الهی و نمونه

اعلای وارستگی و پارسایی است و باید تقوای حقیقی را در مکتب حسینی بیاموزیم و آموزه های عاشورا را الگوی رفتارمان قرار دهیم. عاشورا برای ما تنها یک حادثه نیست؛ بلکه نوعی فرهنگ و تاریخ آغازی دیگر است. حادثه عاشورا هرچند در زمانی بسیار کوتاه تحقق یافت و بیش از نیم روز دوام نیافت، اما عمق حادثه چنان روایت تلخی را به تصویر می کشد که توجه همه عالم را به خود معطوف می سازد و چنان شور و حرکتی می آفریند که همه قیام های حق طلبانه و آزادی خواهانه از سرچشمه اش آب می خورد و بر محور آن می چرخد. این وظیفه ماست که فرهنگ عاشورا و پیام کربلا را خوب بشناسیم و سرمشق زندگی خود قرار دهیم.

از مهم ترین پیام های عاشورا، حفظ آزادی و شرافت انسانی است؛ زیرا انسان تا اسیر نادانی و گم راهی باشد و دل بستگی به دنیا پرده های سیاه بر چشم و دل او افکند، هرگز مسیر تکامل را نخواهد پیمود و به هدف های متعالی و انسانی نخواهد رسید. در آن روزگار که وابستگی های دنیوی و دل بستگی های مادی، مردم را از یاد خدا غافل ساخته و دام های فریبنده آنها را به پستی کشانده و سراب مقام و ریاست، شکوه حضور پروردگار را در دل هایشان به فراموشی سپرده بود، حسین علیه السلام بود که همگان را به آزادی و کمال انسانی فرا خواند و به زیبایی فهماند که خداوند انسان را آزاد آفریده و انسان باید از این آزادی پاسداری کند.

حضرت امام حسین علیه السلام که خود مظهر انسانیت و تجسم عدالت بود، پیوسته با بی عدالتی مبارزه می کرد و در آخر، جان مبارکش را در این راه نثار کرد. عدالت خواهی و ظلم ستیزی دو ویژگی برجسته قیام امام حسین علیه السلام است که برای همیشه در صفحه تاریخ ماندگار می باشد و معیار تشخیص مبارزات و حرکت های حق از باطل در طول تاریخ خواهد بود.

بندگی دنیا انسان را به پستی و تباهی می کشاند و وابستگی به آن آدمی را به خاک سیاه ضلالت و گم راهی می نشاند. فریب دنیاست که مردم را به ستمگری و شقاوت می کشاند و از فتنه دنیاست که به خواری تن می دهند و به بندگی غیر خدا روی می آورند و آیات روشن خدا را انکار می کنند. حسین علیه السلام از هر فرصتی بهره برد تا آن قوم ره گم کرده و از حقیقت برگشته را بیدار سازد و از فریب دنیا بر حذر دارد. آری فریاد بیداری حسین علیه السلام تا امروز در گوش تاریخ طنین انداز است.

وقتی نور معرفت در زوایای تاریک دل آدمی بتابد، دیگر او جز در برابر خداوند سر تسلیم فرود نمی آورد و جلوه های ظاهری دنیا او را نمی فریبند و در همه حال تسلیم فرمان الهی و شکرگزار نعمت های او می شود. حسین علیه السلام در روز عاشورا خواست تا کمال حقیقی و حقیقت کمال را برای مردم بنمایاند و نشان دهد که راه سعادت و کمال تنها با خدامحوری پیموده می شود، و عظمت انسان تنها با تقوای الهی به دست می آید و رسیدن به کمالات معنوی با پرهیز از ننگ و ذلت زندگی با ظالمان میسر می گردد و خوشبختی، در زندگی با عزت و مرگ با سعادت معنا می شود.

امام حسین علیه السلام می دانست که این نهضت، پیروزی نظامی ندارد و این حرکت جز به شهادت او سرانجام نمی یابد؛ اما او بر اساس تکلیف و وظیفه شرعی قیام کرد و برای پیراستن چهره دین از ناروایی ها، حرکت خود را آغاز کرد تا با خون خود و یارانش، کژی ها را از جامعه اسلامی بزاید و فریاد بیداری را در جان خفته انسان ها طنین انداز کند. قاطعیت و سازش ناپذیری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در مبارزه با فساد، انحراف و استبداد همواره الهام بخش انسان های آزاده در طول تاریخ بوده است. امام حسین علیه السلام با شجاعت تمام از دین و حقانیت خود دفاع کرد و هرگز خواری بیعت با یزید را نپذیرفت. او برای دفاع از دین و احیای ارزش های اسلامی، رنج ها و مصیبت ها را به جان خرید و تا مرز شهادت ایستادگی کرد.

حرکت و قیام شکوهمند امام حسین علیه السلام قیامی الهی بود که از منبع وحی سرچشمه می گرفت. تاریخ پرفراز و نشیب بشر، هرگز حماسه ای ناب تر و خالص تر از نهضت عاشورا سراغ ندارد. حضرت امام حسین علیه السلام والاترین نمونه اخلاص و پاک بازی است و یاران او از فداکارترین و باوفاترین انسان های روی زمین بودند. از این رو قیام و نهضت حسینی از خدایی ترین و با اخلاص ترین مبارزات حق طلبانه و بارزترین مظهر حق پرستی و عدالت خواهی است.

نهضت امام حسین علیه السلام در کربلا برای این بود تا روح مسئولیت پذیری و حق خواهی را در جامعه زنده کند و بنیاد ظلم و استبداد را از جامعه بر کند و زنگارهای نیرنگ و فریب را از چهره دین اسلام بزاید و حقیقت پنهان شده در پشت پرده های ضخیم تحریف را برای مردم آشکار سازد و جان خفته جاهلان، گم راهان و فریب خوردگان را بیدار کند.

ما در زیارت نامه آن حضرت شهادت می دهیم که «ای حسین، تو نماز را به پا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر فرمودی».

این چه رازی است که تمامی حرکت ها و انقلاب هایی که برای دفاع از دین انجام می شود، تاب و شور و پویایی شان را از حماسه عاشورا می گیرند و این چه سری است که اندیشه های اسلامی بالندگی و دوامشان را از نهضت کربلا اخذ می کنند؟ آری، هیچ اندیشه ای به کمال نمی رسد، مگر این که از چشمه جوشان معرفت عاشورا سیراب شود و هیچ حرکتی دوام نمی آورد مگر این که از صلابت معنوی حماسه کربلا کمک بگیرد.

رضا و تسلیم در برابر فرمان خداوندی تنها به معنی فرمانبرداری نیست؛ بلکه تسلیم علاوه بر اطاعت باید با عشق و شوق درونی در پرستش همراه باشد. عبادت و طاعت حضرت امام حسین علیه السلام عبادت عشاق و عبادت احرار است که از میل شدید درونی می تراود. ژرفای این تسلیم و رضا، در کلام امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا به خوبی هویداست، آن جا که می گوید: «خدایا... به قضای تو راضی ام؛ تسلیم فرمان توام. معبودی جز تو نیست، ای فریادرس فریاد رسان.»

شب عاشورا شور و حال دیگری برای امام حسین علیه السلام دارد. دیگر وقوع جنگ قطعی شده است و یزیدیان نالایق که هواهای نفسانی مجال تفکر و تدبر را از آنان گرفته است، با بی شرمی تمام، تصمیم به جنگ دارند و حسین علیه السلام شب عاشورا را برای نماز، استغفار و مناجات با پروردگار از دشمن مهلت می گیرد و می فرماید: «خدا می داند که من به نماز و قرائت قرآن و استغفار و مناجات با خدا علاقه شدید دارم». آری، نماز، رستن از دار فنا و پیوستن به عالم بقاست. نماز دل بریدن از دنیا و اوج گرفتن به سوی خداست و در این شب غریب و در این دشت اندوه و در این مصیبت و بلا، این نماز است که آرامش می بخشد و مصیبت ها را تحمل پذیر می سازد.

امام حسین علیه السلام در کربلا حماسه سترگ و بی نظیر عاشورا را آفرید تا ما را با فرهنگ خوب زیستن و سرفراز مردن، آشنا کند و عبودیت و بندگی خدا و حرکت و قیام در راه خدا را به ما آموزش دهد. کربلا کلاس درسی است که باید همگان در آن ببیندیشند. برای شاگردان این مدرسه، جهاد و شهادت وظیفه ای است که با عشق گزارده می شود. شاگرد مکتب عاشورا، همواره دین را درمی یابد و از دنیا دل می برد و اگر ماندن، واماندگی را در پی داشته باشد، برای رفتن تردید نمی کند و از هیچ ستمگری نمی هراسد و از هیچ فتنه ای نمی لرزد. بی باکانه بر ظلم می آشوبد و در برابر بی عدالتی و بی دینی فریاد بر می آورد که «هیئات منا الذلّة».

از ویژگی های برجسته و مهم نهضت عاشورا پیوند دادن دین با سیاست است. در عاشورا دیانت و سیاست با هم تجلی می یابد و کربلا حضور عرفانی و سیاسی امام حسین علیه السلام و بارانش را هم زمان به نمایش می گذارد. اگر عبادت و دیانت امام علیه السلام را در والاترین مرتبه آن در کربلا نظاره می کنیم، مبارزات سیاسی آن حضرت نیز در حماسه عاشورا نمود می یابد. حضرت امام حسین علیه السلام هرگز به بهانه دین داری و پارسایی از امور سیاسی و اجتماعی امت کناره گیری نمی کردند و نسبت به ستم ستمگران و نیرنگ منافقان، بی اعتنایی و بی طرفی را بر نمی گزیدند؛ بلکه همواره در اجتماع حضور داشته، با منکرات مبارزه می کردند.

یکی از آموزه های اخلاقی حماسه کربلا دعوت به بردباری در برابر مصیبت هاست. حسین علیه السلام و خواهرش زینب علیهاالسلام و اهل بیت و اصحاب گرامی ایشان در سوگمندانده ترین لحظات صبر و طاقت از دست ندادند و در اوج عزا، صبوری را به فراموشی نسپردند و در مرگ بهترین عزیزانشان رسالت خویش را در پاسداری از خون آنها، برگمی دیگر بر افتخارات کربلا آفریدند.

حادثه کربلا چنان جان سوز و سوگمندانده به وقوع پیوست که آتش آن هنوز جان ها را می سوزاند و دل مشتاقان را به درد می آورد. سوگواری برای امام حسین علیه السلام اهداف بلند قیام او را جاودانه می سازد و فرهنگ جهاد و شهادت را در جامعه رواج می دهد. عزاداری برای سیدالشهدا علیه السلام آتشی در سینه دردمندان می افزود، آتشفشانی در وجود دل سوختگان به وجود می آورد و سیلاب اشکی بر دامن آنان جاری می سازد که در پرتو آن ناب ترین مفاهیم و والاترین مضامین در پهن دشت اندیشه ها می روید.